نشریه علمی ـ پژوهشی فرهنگستان علوم پزشکی
سال اول، شماره اول، بهمن ۱۳۹۶

نگرش فلسفی ـ فقهی کلان به مقوله سلامت معنوی از منظر اسلام[1]

نویسنده: دکتر علیرضا اعرافی[2]

چکیده

زمینه و هدف: برای ارائه نظریه جامع و کامل معنویت اسلامی چندین شاخه از علوم اسلامی باید در کنار همدیگر قرار بگیرند و منظومه‌ای را تشکیل دهند. در نظریه کلان اسلامی، معنویت مفهومی متعین، تعریف شده، و امری عقلانی، فلسفی و مبتنی بر استدلال و کاملاً واضح است و مقصود معنویت عاطفی نیست.

یافته‌ها: براساس سایر شاخص‌ها سلامت معنوی دارای ابعاد ماورائی درونی (درونگرا) و لایه‌های بیرونی است، هم ساحتی از ساحات بشری است و هم فراساحتی (ترکیبی) است، جامع، شامل و نظام واره است، متوازن با سایر ساحات است، دارای تجلیات درونی و بیرونی است، جلوه‌گری آن در قلب شعائر اسلامی است، دارای مراتب و از امور اکتسابی و اختیاری است.

نتیجه‌گیری: در این گفتار علاوه بر معرفی ده شاخص فوق از مؤلفه های سلامت معنوی، تحلیلی راجع به آسیب‌های معنویت‌گرائی متناظر آن‌ها نیز اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: اسلام، سلامتی، فلسفه پزشکی، معنویت

مقدمه

اگر کسی قائل شد به اینکه انسان دارای گرایش‌های متعالی‌تر از سطوح عالی است. تأمین آن‌ها با همان تعبیر مبهمی که الآن وجود دارد یک ضرورت است. تأمین نیازها و پاسخ به تقاضاهای وجودی آدمی در یک منظومه حساب شده و حکیمانه؛ تأمین سلامت می‌کند. بشر در فراز و فرودهای زندگی هیچ‌گاه نمی‌تواند یک گرایش قدسی و متعالی را به طور کامل از درون خویش محو کند. اصل این نیاز به شکل مجمل و مبهم تقریباً مورد قبول همگانی است. در تمدن غربی فراز و فرودهایی نسبت به این گرایش معنوی موجود بوده و طبعاً نوسان داشته و در مکاتب و شدت و ضعف آن در اندیشه‌های مختلف متفاوت است. اصل این قصه را شاید نشود کنار گذاشت و توجه بزرگان حوزه علوم پزشکی و روانشناختی و علوم اجتماعی به این مساله نشان‌دهنده این است که واقعیتی در ورای همه زرق و برق‌های شکلی و سطحی و ظاهری وجود دارد. این حس متعالی و نیاز قدسی مفروض همه این بحث‌هاست که اگر آن را بپذیریم سلامت معنوی و مقوله‌های مشابه آن موضوعیت پیدا می‌کند.

۱. این مقاله از سخنرانی آیت الله علیرضا اعرافی در اختتامیه چهارمین همایش سلامت معنوی در اسفندماه ۱۳۹۵ در شهر قم انتخاب و با مسئولیت معاونت علمی فرهنگستان علوم پزشکی تنظیم و ویراستاری شده است.

۲. رییس حوزه علمیه کل کشور

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-10-07]

یافته‌ها

در تئوری‌ها و بحث‌های علمی، معنویت یک واژه اساسی و کلیدی است. فلسفه معنویت به یک دیسیپلین میان رشته‌ای تبدل شده و یا حداقل در آستانه شکل‌گیری چنین رشته و دیسیپلینی هستیم. فلسفه معنویت در حوزه سلامت، با عنوان سلامت معنوی، مصداق بزرگی از آن گرایش موصوف عام قدسی متعالی بشر است.

معنویت از نگاه قرآن و احادیث اسلامی

اسلام در حوزه معنویت دارای نظریه است. یک نظریه کلان در اسلام در باب معنویت وجود دارد. شایسته است تلاش گردد بین مقوله سلامت معنوی با همان تعاریف، مفاهیم، ابزارهای علمی تبیین و توصیف و اندازه‌گیری و مناهج و شیوه‌ها و متدولوژی مطرح شده، و مقوله فلسفه معنویت از دیدگاه اسلام یا نظریه معنویت از نگاه اسلامی ارتباطی برقرار گردد. برای ارائه نظریه معنویت اسلام، ۳-۴ شاخه اصلی در علوم اسلامی باید در کنار هم قرار گرفته، یک منظومه کامل شکل گیرد:

بخش مباحث کلامی ـ فلسفی

بخش نگاه فقهی ـ حقوقی

بخش نگاه اخلاقی - ارزشی

بخش نگاه تاریخی- تمدنی

اگر بخواهیم به نظریه اسلام در باب سلامت معنوی دسترسی پیدا کنیم، حداقل از ۴ زاویه دید باید به معنویت توجه و در نهایت به یک نظریه کلان، منسجم، نظام‌وار و هماهنگ با اندیشه‌های اسلامی دست یابیم. این منظومه فکری متشکل از ۴ زاویه دید باید شکل گیرد. وظیفه حوزه علمیه تأمین این نظریه است.

برخی از مبانی، اصول، ضوابط، مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظریه کلان معنویت در اسلام

اولین شاخص: نظریه کلان معنویت در اسلام که یک نکته کلان و بسیار کلی است و به شکلی در بخش‌هایی هم خود را نشان می‌دهد، اینکه در نگاه ادیان توحیدی و به خصوص اسلام و به‌ویژه در نگاه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، معنویت امری متعین، مشخص، تعریف شده و کاملاً واضح است. یک بار معنایش این است که احساس تعلقی به یک عالم غیبی، قدسی، و ماورایی که احیانا در ماورای انسان هم نیست در ذات انسان است. در این نگاه عناصر و ویژگی‌ها تعیین شده است، ابهام و تاریکی وجود ندارد. معنویت در نگاه اسلام و قرآن و حدیث نظام‌وار، تعریف شده، متعین و به اصطلاح فلسفی متشخص است.

دومین شاخص: نظریه کلان معنویت در اسلام: در این اندیشه و در این نظریه کلان، معنویت امر عقلانی، فلسفی و مبتنی بر مبانی اعتقادی و استدلالی است. به عبارت دیگر معنویت عاطفی مقصود نیست. در معنویت عاطفی، گرایش‌های احساسی و عاطفی به امور ماورائی و قدسی وجه غالب را تشکیل می‌دهد. شاخه‌هایی از الهیات غرب به این سمت سوق پیدا کرده، که دلیل آن، مشکلات جدی است که در حوزه‌های فلسفی برایشان رخ داده است. اما معنویت اسلام بر یک نگاه استدلالی فلسفی و عقلانی مبتنی است.

سومین شاخص: نظریه کلان معنویت در اسلام: معنویت به اجزاء درونی و بیرونی تقسیم می‌شود. معنویت ماورائی درون آدمی، یعنی حسی متعالی که در لایه‌های درون آدمی وجود دارد ولی بیرون آن خبری نیست. این یک نوع معنویت است، معنویت درون‌گرا و ناظر به آن لایه‌های درونی در وجود آدمی و ماوراء آن خبری نیست. معنویت اسلامی، هم ناظر به لایه‌های درونی و هم لایه‌های بیرونی است. سطوح تودرتو و پیچیده جهان درون، که در عرفان ما به زیبایی تصویر شده، در عین حال این جهان درون وصل به یک جهان برون و نیروی بزرگ و قدسی و غیبی است و منحصراً درونی نیست. نظریه معنویت اسلام درونی- بیرونی است، هم به درون نگاه می‌کند، هم قدس را و غیب را در خداوند و معاد و جهان دیگری فراتر از این عالم تفسیر می‌کند. پس تنها درونی نیست و بیرونی هم هست و بخش بیرونی آن هم به شکل نظریه توحیدی است.

چهارمین شاخص: جامعیت و شمول معنویت در اندیشه‌ی اسلامی است. به عبارت دیگر دو گونه می‌شود معنویت را تفسیر کرد، یکبار این‌که معنویت را ساحتی می‌دانیم، در عرض ساحت‌های دیگر، در کنار ساحت‌های دیگر وجود آدمی، این یک تفسیر است که در جای خودش درست است، یک نوع گرایش متعالی در وجود انسان است و در کنار گرایش‌های دیگر قرار می‌گیرد. اما یک نظریه ترکیبی و فراتر از این هم داریم. می‌گوییم معنویت هم یک ساحت است هم در عین حال یک مقوله به اصطلاح اصولی ـ فلسفی ویک مقوله مقسمی و فرا ساحتی. در نظریه ترکیبی، معنویت به یک معنا، مولفه و عنصری در جدول

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-10-07]

شخصیت، یک خانه در جدول شخصیت، و به یک معنا یا تعبیر، روحی است که در همه این خانه‌ها دمیده می‌شود و با همه آن‌ها در ارتباط و اتصال است. این جامعیت و شمولیت ،چهارمین شاخص است.

پنجمین شاخص: نظریه کلان معنویت در اسلام: اینکه این نظریه‌ای که جامع و شامل هم هست و بر عرصه‌های مختلف هم پرتو می‌افکند و نظام‌واره هم هست. یک قوطی در هم ریخته نیست که کالاهای پراکنده‌ای در آن ریخته شده باشد، بلکه این اندیشه بر این نظام‌وارگی مبتنی است. این نظام‌وارگی درون انسان قرار دارد و اسلام هم بر اساس همین نظام وارگی شخصیت، نظریه معنویتش را منسجم ارائه کرده است.

ششمین شاخص: نظریه کلان معنویت در اسلام: توازن معنویت در سایر ساحت‌ها است، در یک اندیشه متعادل دریک نظریه منسجم و در عین حال متوازن. در حقیقت سلامت فردی، سلامت روانی، سلامت جسمی-روانی اجتماعی یا سایر ابعادی که تا ۱۰ مورد هم گاهی بر می‌شمرند، ولی مشهورش همین ۴ بعد است . در اندیشه اسلامی و نظریه معنویت اسلام، آن بخش سلامت معنوی، کاملا متوازن با سایر بخش‌ها و نیازها تنظیم شده، به عنوان مثال در ابواب عبادی اسلام، موضوع عزلت در نهج‌البلاغه با تندی نفی شده است. یکی دو سند نیست، با اسناد معتبر، چندین امام و معصوم با تندی جلوی اینکه کسی همه زندگیش بشود یک کار عبادی معنوی و از این قبیل، می‌ایستند و گاهی پرخاش می‌کنند. اینکه فردی به بهانه عبادت، کار را کنار بگذارد، زندگی خانوادگی را کنار بگذارد، پاسخ به آن نیازهای طبیعی را نفی کند، بکلی مردود است. این دیدگاه اسلامی ریشه دارد در چندین متن و سند محکم. این نمونه و نمونه‌هایی از این قبیل حکایت دارد از این که معنویت در اندیشه اسلامی، در جایی قرار می‌گیرد که روح بر آن پرتو می‌افکند و متوازن با همه ابعاد دیگر است و هیچ‌وقت در حالت افراط و نامتوازن قرار نمی‌گیرد.

هفتمین شاخص: نظریه کلان معنویت در اسلام: تجلیات درونی و بیرونی معنویت است. به عبارت دیگر بر اساس همان جامعیتی که ذکر شد، معنویت یک‌بار در باورها منعکس می‌شود، باورهای شخص با استدلالات، یک رنگ دیگری پیدا می‌کند و به او یک آرامش و اطمینانی می‌دهد. یکبار هم در شخصیت اخلاقی متجلی می‌شود که به اوصاف و ویژگی‌های انسان خط می‌دهد و یک جهت متعالی می‌بخشد، یکبار هم در رفتارها و کنش‌ها تجلی می‌کند. به‌طور خاص در یک منظومه ویژه عبادی جلوه‌گری ویژه دارد. بنابراین معنویت یک جلوه‌گری عام دارد، در همه ساحت‌های باور و منش و شخصیت و اخلاق و رفتار و کنش‌های انسان و یک جلوه‌گری ویژه و رخ نمایی دارد در قالب یک سلسله عبارت‌های تعریف شده.

هشتمین شاخص: نظریه کلان معنویت در اسلام: **جلوه‌گری معنویت در قلب شعائر اسلامی است.** شعائر ومناسک عبادی در اسلام یکی از وجوه ممیزه نظام عبادی اسلام و معنویت اسلامی است. این معنویت یک جلوه‌گری خاصی در قالب شعائر دارد. از تجلیات خاص عبادات و اذکار، ادعیه ، و زیارات، روح معنوی آن‌ها است.

نهمین و دهمین شاخص: نظریه کلان معنویت در اسلام: مراتب معنویت و اختیاری و اکتسابی بودن آن است. معنویت دارای مراتب است ، یک جوشش طبیعی و ذاتی دارد ولی جهت‌گیری‌های آن کاملاً اختیاری است.کاهش یا افزایش و شکل‌دهی به آن حس معنوی، امری اختیاری است و دارای مراتب است. (۱، ۲)

آسیب‌های معنویت‌گرایی

متناظر با همین حدود و عناوین مذکور در بالا، در حقیقت معنویت‌گرایی می‌تواند آسیب‌هایی هم داشته باشد. در لحن ایجابی ده شاخص توصیف شد. اگر بخواهیم لحن سلبی را وصف نمائیم، در واقع هریک از آن‌ها ناظر به آسیبی است که معنویت را تهدید می‌کند. معتقدیم معنویت‌گرایی که در غرب وجود دارد به بخشی از این آسیب‌ها مبتلا است. یکی از جهات معنویت‌گرایی عاطفی بودن محض است. معنویت‌گرایی که برپایه‌های اصلی استوار نشود، یک امر عاطفی است. معالجه صوری را می‌تواند انجام دهد و گره‌ای از گره‌ها را باز کند، اما معالجه اصلی و اساسی را نمی‌تواند بکند. اگر درمانگر از نظر استدلالی پایه‌های متقنی و محکمی نداشته باشد، آن‌وقت به سمت خرافات هم حتماً خواهد رفت. احیاناً یک دلیل گرایش‌های سکولاریستی، گرایش‌های افراطی و تحجرگرایانه در معنویت است.

مقوله معنویت با هر دو نوع آسیب از دو سو مواجه است. معنویت در اندیشه اسلامی تنها به معنای فلسفی آن نیست،

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-10-07]

سکولاریستی، افراطی، تحجرگرا، اجتماع گریز و نامتوازن با ساحت‌های دیگر وجودی نیست، بلکه همه آن‌ها را هم در نظر می‌گیرد، در واقع در یک نقطه تعادل قرار دارد. از آسیب‌های معنویت غیرجامع بودن آن است .

آسیب‌های اخلاقی و رفتاری تهدیدکننده سلامت

شخصیت آدمی در معرض یک سلسله آسیب‌های اخلاقی و رفتاری است. آسیب‌هایی مثل آمال و آرزوهای بی‌پایان عرصه‌های مبهم، مصیبت‌ها و بلاهایی که بر آدم وارد می‌شود.، غضب و خشمی که در درون آدمها هر از چند گاهی برمی‌خیزد و در نگاه جزئی‌تر، حسادت و کبر و سلسله‌ای از آسیب‌های روحی وجود دارد. معالجه این‌ها با آن ذکر و دعا و معنویت یک داستانی زیبا است. ما در درونمان مواجه با یک سلسله آسیب های اخلاقی یا به تعبیر علمای اخلاق رذائل اخلاقی هستیم. این رذائل را با معنویت می شود معالجه کرد و این گامی به سمت سلامت معنوی است. البته سلامت معنوی فراتر از معالجه این‌هاست ولی این مرتبه، پایه‌ای است که باید حتماً به آن توجه کرد. (۳)

نتیجه‌گیری

آن سلامت کاملی که اسلام به آن توجه دارد، همه هستی را در نظر گرفته یعنی عالم غیب و خدا و حرکت انسان به آن جهان و زندگی آرام و مطمئن این دنیا. به عبارت دیگر دنبال اطمینان قلبی است و بدون آن نقشه کلان جامع، بشر بسوی سعادت حرکت نمی‌کند . اگر بخواهیم اسلامی بیندیشیم. در حقیقت آن نظام اخلاقی اسلام را مورد توجه و مورد مطالعه قرار بدهیم و از آن در راستای نیل به معنویت و سلامت معنوی دست یابیم، یک نقشه راهی لازم است. از مؤلفه‌های این نقشه راه بازشناسی عناصر مخرب سلامت، که مانع سلامت آدمی در همه ساحت‌ها می‌شود، خواهد بود. این نظام‌وارگی تحقیقات ناظر به آسیب‌های شخصیت اقتضا می‌نماید تا با کاربست علوم انسانی و اسلامی بر یک پایه درست، انسان و رذایل انسانی شناسائی و انبوهی از تحقیقات تحول آفرین انجام شود. هم باید آن تحقیقات کهن و سنتی را عمق دهیم و به تمام معنا از آن‌ها صیانت بشود و در فضای اجتهادی ما به همان روشی اصیل پیش برویم و برای ورود به عرصه‌ها و پاسخگوئی به نیازها و اقتضائات جدید، هم باید در کنار دانشگاه باشیم. در پرتو تحقیقات علمی با تعامل و گفت‌وگوی عالمانه و تحقیق مشترک، می‌شود به این نکات رسید و قله‌ها را فتح کرد.

تقدیر و تشکر

از زحمات تمامی کارکنان فرهنگستان علوم پزشکی از جمله اعضاء گروه علمی سلامت معنوی، دبیر همایش سلامت معنوی و اعضاء روابط عمومی و ارتباطات بین‌الملل تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

1. Ebrahimi Dinani Gh. Rationality and Spirituality in Islam. Religions and Mysticism 2003; 20: 9-30. [In Persian]
2. Esmaeili M, Fani M, Karamkhani M. Spiritual Health Concept in Islamic Resources. Research on Religion & Health 2017; 3(1): 91-101. [In Persian]
3. Mesbah A. Analysis of the Concept of Spirituality and Meaning. Quarterly Journal of Medical Ethics 2010; 4(14): 23-39. [In Persian]

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-10-07]

Macro-Philosophical-Jurisprudential Attitude to the Category of Spiritual Health from the Perspective of Islam

Abstract

Background: Formation of a comprehensive and exhaustive theory of spiritual health demands convergenceand collaboration amongst several disciplines of Islamic theology and formation of an interdisciplinary collaboration. In macro-level Islamic theory, spirituality is a clearly-defined and well- documentedconcept formed on a solid philosophical and logical foundation based on deduction and clear reasoning whichis quite different from emotional spirituality .

Results: According to different definitions based on a wide range of criteria, spiritual health is comprised of metaphysical, mental, and social dimensions and is both humane and supernatural (multi- dimensional). Spiritual health is comprehensive, inclusive, and well-structured, and is considered as in line with other dimensions of humanity with both internal and external presentations. It is noteworthy, however, that its presentation and embodiment which is integral to Islamic culture, has different levels and layers, and is considered as an acquired and voluntary accomplishment attainable by free will .

Conclusion: In this essay, besides introduction of ten criteria of the abovementioned indicators of spiritual health, an analysis of the plights of spiritualism-related perils is also discussed .

Keywords: Health, Islam, Medical Philosophy, Spirituality

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-10-07]